

نخستین داور بین‌المللی فوتسال بانوان کشور
تمرینات سخت و طاقت‌فرسایی را برای رسیدن به این جایگاه سپری کرده است

عدالت، اقتدار و رفاقت نکات کلیدی داوری



۵۶۴

ضمیمه رایگان روزنامه شهر آرا
شماره روزنامه ۳۸۲۴
پنجشنبه ۱۰ آذر ۱۴۰۱
شماره ضمیمه محله ۴۸۷
دریافت نسخه الکترونیک شهر آرا محله از
shahraranews.ir

Mashhadchehreh.ir
شهر آرا
@Mashhad.Chehreh

۶

امیره بغدادی در طول
۳۱ سال سابقه پرستاری
از خدمت به ایثارگران
جنگ تحمیلی تا
بیماران کرونایی را
تجربه کرده است

هیچ وقت

درد کشیدن بیمار
برایم عادی نشد



۴

برگه‌ریزان زیبای بوستان

۷

بوستان‌های همیشه در دسترس

منطقه

۱۱

منطقه

۱۲

از نیمه آبان تا پایان آذر، برگ‌های پاییزی زینت بخش شهر هستند

برگ‌ریزان زیبای بوستان ملت

باسخ‌شهرداری به گلایه ساکنان مجتمع‌های سجادیه بابت کمبود سطل‌های بزرگ زباله

نصب باکس زباله در مجتمع با شهروندان



سید مصطفی بهشتی ادو سطل بزرگ جمع‌آوری زباله که اطراف آن‌ها با آشغال‌های ریز و درشت پر شده و باعث حضور حشرات هم شده است؛ تصویری است که ساکنان مجتمع اریکادر انتهای بولوار سجادیه، قبل از ورود به مجموعه مسکونی خود با آن روبه‌رو می‌شوند. کافی نبودن تعداد سطل‌ها و تخلیه نشدن بموقع آن‌ها از دلایل بروز این تصویر نامناسب است.

سرریز شدن سطل‌ها هنگام پر شدن

پس از مشاهده این تصویر به سمت مجتمع می‌رویم تا با ساکنان آن گفت‌وگو کنیم. مریم شعبانی با قدم‌هایش به سمت سطل‌های بزرگ زباله، مارادوباره به نقطه اول می‌آورد تا در آنجا به صحبتش ادامه دهد. او می‌گوید: همین اول کار ببینید، سطح سیمانی مخصوص باکس کجاست و خود باکس‌ها که در محوطه خاکی هستند کجا؟ نیروهای شهرداری حداقل موقع تخلیه، آن‌را روی قسمت بتنی که قابل شست‌وشو است قرار دهند. مطمئن باشید شهروندان مجتمع اریکا و مجتمع‌های دیگر وقتی زباله‌را تا این نقطه می‌آورند، اگر باکس خالی باشد، هرگز زباله‌را روی زمین نمی‌ریزند، مگر اینکه سطل‌های بزرگ پر باشد و سرریز شود. سپهر اسلامی هم از دیگر شهروندان مجتمع است که می‌گوید: احساس ما این است که چون از فضای مرکزی منطقه دوریم، نیروهای خدمات شهری توجه کمتری به این محدوده دارند. واقعا موافقی بوده که تا سه روز این سطل‌های بزرگ زباله خالی نشده است. شما فکر کنید حدود صد خانوار زباله خود را در این باکس‌ها خالی کنند و تخلیه نشود. واقعا منظره‌ی بویی که به وجود می‌آید، زشت و عذاب‌آور است. بعد از گفت‌وگو با این دو شهروند، صحبت فرزند حسینی را هم می‌شنویم؛ واقعا توقع داریم با توجه به جمعیت این مجتمع و ساختمان‌های اطراف، تعداد باکس‌های جمع‌آوری زباله را بیشتر کنند. الان اینجا دو باکس زباله داریم که پس از تخلیه شبانه تا دوازده ساعت بعد پری می‌شود. درخواست دیگر هم این است که نظافت باکس‌ها و فضای اطراف آن در زمان کمتری انجام شود.

باکس‌ها ویژه پاکبانان است، نه شهروندان

رئیس اداره خدمات شهری منطقه ۱۲، قرار دادن باکس زباله در خیابان برای جمع‌آوری زباله‌های شهروندان را خارج از وظایف شهرداری می‌داند و می‌گوید: اصولا طبق قانون شهرداری، مجموعه خدمات شهری باکس‌های گالوانیزه زباله را برای شهروندان و پاساکنان مجتمع‌ها نصب نمی‌کند و اصلا در این زمینه وظیفه‌ای ندارد. این باکس‌ها برای فعالیت همکاران پاکبان ماست که بعد از رفت و روپ هر معبر، زباله‌های جمع‌آوری شده را در آن خالی کنند. مجتبی زمانی ادامه می‌دهد: طبق مصوبه شورای اسلامی شهر مشهد تمام ساختمان‌ها و مجتمع‌های با بیش از دوازده واحد مسکونی، موظف هستند باکس زباله را در اتاق پسماند مجتمع خود نصب کنند و مجموعه خدمات شهری فقط موظف به تخلیه آن است. مجتمع‌های با تعداد واحد کمتر از این هم می‌توانند هر شب زباله خود را مقابل در قرار دهند تا جمع‌آوری شود. زمانی با اعلام اینکه برای نظافت فضای اطراف باکس‌های موجود هماهنگی خواهد شد، اضافه می‌کند: نصب باکس زباله در مقابل مجتمع‌ها خارج از وظایف شهرداری است. فقط سبب افزایش هزینه‌های مدیریت شهری و کاهش راندمان کاری پیمانکار می‌شود. اکنون مادر منطقه ۱۲، هفتصد باکس زباله داریم که دو بیست مورد آن‌ها اضافه بر قرارداد با پیمانکار است.

این مسئول شهری به الزام مجتمع‌ها برای نصب باکس زباله اشاره می‌کند و می‌گوید: به برخی مجتمع‌های منطقه اعلام کرده‌ایم که باکس‌های مازاد به زودی جمع‌آوری خواهد شد و موظف هستند داخل مجتمع‌ها، باکس زباله نصب کنند و شهرداری برای تخلیه آن‌ها اقدام خواهد کرد. البته تا روز جمع‌آوری باکس‌های مازاد، تخلیه و نظافت فضای آن‌ها به‌طور مرتب انجام خواهیم داد.



فهمیه شهری همه پاییز را به برگ‌ریزان رنگارنگش می‌شناسند. پاییز که می‌شود باید یک پاییز‌گردی بروی، و گرنه انگار چیزی را از دست داده‌ای. بهترین پاییز‌گردی‌ها هم مربوط به جاهایی است که بیشترین درخت راداشته باشد و بتوانی با هر قدم، صدای خش‌خش برگ‌های زیر پایت را بشنوی. هرچه برگ‌هایی که از روی سرت به زیر پایت می‌ریزد بیشتر باشد، لذت بیشتری می‌بری. همین جذابیت‌های پاییز است که آن‌را به فصلی خاص و منحصر به فرد تبدیل کرده است. در این بین، پارک ملت از آن مکان‌های قدیمی است که خیلی از پاییز‌گردی‌های مشهدی‌ها را به خود اختصاص داده است.

برگ‌ها در قاب دوربین‌ها

پاییز که می‌شود، نه فقط شهروندان منطقه ۱۱ بلکه افراد نقاط مختلف شهر، برای یک بار هم که شده خود را به بوستان ملت می‌رسانند. برگ‌ها سوژه دوربین‌های افرادی می‌شوند و سایه نیمه‌سرد درختان، میزبان کودک و جوان و پیر است.

چند سالی است که به درخواست شهروندان، برگ‌های پاییزی پارک ملت جمع‌آوری نمی‌شود و حداقل بعضی معابر، پوشیده از برگ‌های پاییزی هستند. امسال هم با توجه به استقبال سال‌های گذشته تصمیم گرفته شد رفت و روپ پارک ملت طوری انجام شود که فضای پاییزی آن لطمه نبیند.

مسئول امور بوستان ملت نیز به استقبال شهروندان از جمع‌نکردن برگ‌های پاییزی اشاره کرده و می‌گوید: هر سال به ویژه در ایام پاییز پیام‌های متعددی از شهروندان دریافت می‌کنیم که حاکی از رضایت و اشتیاق آن‌ها درباره این موضوع است. بنابراین به دستور معاونت خدمات شهری برگ‌ها و فضای پاییزی ملت حفظ می‌شود.

به گفته علی‌گلمکانی، بوستان ملت به هفت قسمت تقسیم شده و هر روز فقط برگ‌های یک قسمت جمع‌آوری می‌شود. به این طریق هر روز بخش زیادی از پارک، دارای برگ‌های پاییزی است. او می‌افزاید: جمع‌نکردن برگ‌های پاییزی از نیمه آبان شروع شده و تا پایان آذر ادامه دارد.

حضور دانشجویان و زائران در بوستان ملت

در یکی از این روزهای پاییزی که راهی پارک ملت می‌شویم، برگ‌ریزان بوستان لحظه‌ای متوقف نمی‌شود و در هر ثانیه ده‌ها برگ در حال فرود آمدن هستند. این بوستان مملو از افرادی است که در جاهای مختلف در حال گرفتن عکس‌های یادگاری هستند. نفیسه دهگلی و حمید ملکوت، زوج جوانی هستند که در دوران عقد به سر می‌برند. حلقه‌های ازدواجشان را روی برگ‌ها گذاشته و کنار معبر استخر در حال عکس گرفتن هستند.

عرفان و سبحان هم که دونونهال یازده ساله هستند، کنار جریان آب در حال مسابقه دادن با برگ‌ها هستند. هر کدام برگی از برگ‌های پاییزی را انتخاب کرده و با شماره یک، دو، سه، آن‌را در آب‌های می‌کنند و دنبال برگ‌هایی می‌گردند تا ببینند کدام برگ با سرعت بیشتری جریان آب را طی می‌کند.

دریاچه پارک ملت هم که بستری برای برگ‌های درختان اطرافش است. با قایق‌های پدالی، امکان لذت بردن از قایق‌سواری بین مرغابی‌ها، اردک‌ها و غازها را فراهم کرده است. بسنا و حنا شیردل، دو خواهر هجده و بیست و یک ساله هستند که تازه از قایق پیاده شده و در حال مرور کردن عکس‌های سلفی‌ای هستند که روی دریاچه گرفته‌اند. آن‌ها همراه خانواده از بیرجند چند روزی را به مشهد سفر کرده و به توصیه دختر عمه‌شان که ساکن مشهد است، آمده‌اند تا در پارک ملت پاییز‌گردی کنند.

جلال، امیر حسین، صدرا، محمد و پویا دانشجویانی هستند که دور هم نشسته و پانتومیم بازی می‌کنند. بعضی‌ها ایشان مشهدی و بعضی‌ها شهرستانی هستند اما به گفته صدرا، چند وقتی است که قصد پارک ملت کرده‌اند و امروز قسمت شده دسته جمعی به این مکان بیایند و از فضای پاییزی آن لذت ببرند. پویا که مشهدی است، می‌گوید: قبلا که برگ‌های پارک را جمع می‌کردند، حال نمی‌داد اما اکنون که برگ‌ها هست، حتما حداقل هفته‌ای یک بار برای پاییز‌گردی به بوستان ملت می‌آییم.

منطقه ۱۱

در راستای افزایش ایمنی عابران پیاده انجام شد مرمت گذرگاه‌های غیر هم سطح عابر پیاده

شهردار منطقه ۱۱ از مرمت و بهسازی گذرگاه‌های غیر هم سطح ویژه عابران پیاده در منطقه خبر داد.

● اختصاص اعتباری بیش از ۴ میلیارد ریال

مهدی عرفانیان با اشاره به ضرورت تأمین ایمنی معابر برای تردد افراد سواره و پیاده، گفت: برای جلوگیری از عبور عابران پیاده از عرض مسیرهای سواره رو و پرتردد و خطرناک و همچنین بنا به ضرورت و لزوم تأمین امنیت جانی شهروندان، مرمت و بهسازی گذرگاه‌های غیر هم سطح عابر پیاده در منطقه با اعتباری بیش از ۴ میلیارد ریال انجام شد.

شهردار منطقه ۱۱ افزود: با توجه به اهمیت و نقش پل‌های عابر پیاده در کاهش بار ترافیکی و تسهیل در عبور و مرور شهروندان، عملیات تعمیرات اضطراری و رفع خطر پل‌های غیر مکانیزه در منطقه انجام شد که طی آن ورق‌های پلی کربنات که در پوشش سقف پل‌ها استفاده می‌شود، تعمیر و تعویض شد. علاوه بر این ورق‌های کف عرشه و راه پله پل ترمیم و رنگ آمیزی شد.

● کاهش ترافیک

مهدی عرفانیان کاهش ترافیک را هدف اصلی این اقدامات دانست و گفت: هر چه تجهیزات و امکانات ترافیکی در شهر بیشتر باشد، امنیت تردد نیز بیشتر می‌شود و با کمتر شدن میزان تردد عابران پیاده در عرض معابر، ترافیک شهر روان تر و میزان بروز حوادث کاهش می‌یابد.

عرفانیان در پایان افزود: عملیات بهسازی، ترمیم و تقویت پل‌های عابر پیاده منطقه توسط اداره حمل و نقل و ترافیک منطقه انجام شده است.

در این عملیات، پل‌های عابر پیاده بولوارهای آموزگار، معلم، دانشجو و سیدرضی بهسازی و ترمیم شدند.

منطقه ۱۲

توزیع بسته نوشت افزار

در راستای حمایت از دانش آموزان نیازمند و پیشگیری از انصراف آن‌ها از تحصیل، بسته‌های حمایتی نوشت افزار تهیه و توزیع شد.

این طرح با همکاری هیئت کریم اهل بیت (ع) محله اکبر آباد و پایگاه بسیج محله اجرا شد.

علاوه بر توزیع نوشت افزار در میان دانش آموزان توس، پنجاه بسته معیشتی شامل مرغ، گوشت، برنج و... تهیه و در میان نیازمندان محله اکبر آباد و محدوده توس توزیع شد.

«علویه» به جای «تقویه»

با تصمیم اعضای شورای اسلامی شهر مشهد مقدس، اسم خیابان تقویه به خیابان علویه تغییر نام یافت.

پس از اینکه در ماه‌های اخیر برخی شهروندان ساکن این محدوده، درخواست تغییر نام راه شهرداری منطقه ارائه دادند، با پیگیری‌های انجام شده این تغییر نام در شورای شهر بررسی و تصویب شد. در هفته پیش رو تغییر نام معابر از تقویه به علویه در تابلوهانیز اعمال خواهد شد.

پلاک گذاری منازل

پلاک گذاری منازل توس ۱۸۷ انجام شد. پس از درخواست‌های مکرر اهالی و مشکلات به وجود آمده برای ساکنان این معبر که در شهر آرمجله به آن پرداخته شد، پلاک گذاری منازل آن در محله کلاته برقی انجام شد. پلاک گذاری بیش از ۱۹۰ واحد مسکونی با پیگیری اعضای شورای اجتماعی محله و معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه و توسط اداره نام گذاری و تابلونویسی شهرداری مشهد اجرا شد.

آسفالت خیابان فردوسی

خیابان فردوسی ۱۵ و کوچه فرعی فردوسی ۱/۱۵ واقع در انتهای بولوار شاهنامه و ضلع غربی آرامگاه فردوسی آسفالت شدند.

مساحت این دو معبر حدود نهمصد متر مربع است و بالغ بر ۲ میلیارد ریال ۷۰۰ میلیون ریال برای آسفالت این کوچه و خیابان خاکی، هزینه شده است.

خیابان فردوسی ۱۵ و کوچه فرعی فردوسی ۱/۱۵ در راستای پروژه‌های زودبازده بازآفرینی شهری آسفالت شدند.

۳۰ نفر زباله‌گیری منطقه ۱۱ را انجام می‌دهند

جمع‌آوری روزانه ۱۰۰ تن زباله



فهیمة شهری جمع‌آوری زباله و رفت و روپ معابر از مهم‌ترین وظایفی است که برای مجموعه خدمات شهری تعیین شده است. این موضوع که اقدامی بسیار پرهزینه برای شهرداری‌ها به حساب می‌آید، در مناطق شهری به اداره خدمات شهری هر منطقه سپرده شده است. در همین راستا برای اطلاع از وضعیت ارائه خدمات شهری در منطقه، بارئیس اداره خدمات شهری منطقه گفت و گو کردیم. محمود حسینی دشت بیاض در ابتدا ابیان اینکه جمع‌آوری زباله در منطقه ۱۱ از ساعت ۲۱ شروع و تا پنج بامداد ادامه

دارد، گفت: پانزده خودرو جمع‌آوری زباله داریم که هر خودرو روزانه حدود شش تن زباله جمع می‌کند که در مجموع صد تن می‌شود و این اقدامات با کمک سی نیروی انسانی انجام می‌شود. همچنین حدود ۲۹۰ پاکبان کار رفت و روپ معابر منطقه ۱۱ را انجام می‌دهند که این کار از ساعت ۱۲ شب شروع می‌شود و تا ۸ صبح ادامه دارد. به گفته حسینی دشت بیاض ۹۰ درصد شهروندان منطقه زباله‌هایشان را در زمان‌های مشخص شده جلومنازل می‌گذارند، اما حداقل ۱۰ درصد هم

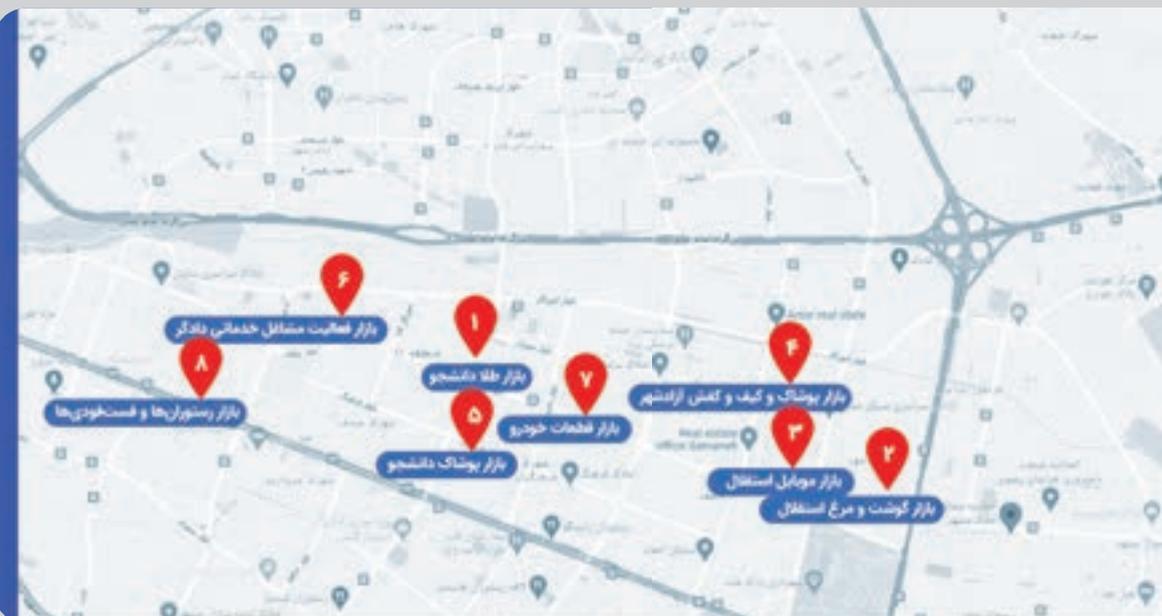
کسانی هستند که با وجود تبلیغات زیاد و تلاش برای فرهنگ‌سازی، هنوز زمان بیرون گذاشتن زباله را رعایت نمی‌کنند. رئیس اداره خدمات شهری منطقه ۱۱ توضیح داد: شهروندانی که زباله‌هایشان را به موقع بیرون نمی‌گذارند، در طول روز آن‌ها را کنار خیابان یا درون مخازن بزرگ زباله می‌گذارند و این موضوع باعث افزایش زباله گردها شده است. وی با اشاره به اینکه زباله گردها برای پیدا کردن زباله‌های باز بافتی، پلاستیک‌های زباله را پاره و باعث کثیفی و پراکنده شدن زباله‌ها در

خیابان می‌شوند، از شهروندان خواست زباله‌هایشان را قبل از ساعت ۲۱ جلو منازل بگذارند. حسینی دشت بیاض بر فرهنگ‌سازی برای تفکیک زباله تأکید کرد و گفت: شهرداری تابلوهای مختلفی در شهر دارد که از این ظرفیت می‌توان برای فرهنگ‌سازی تفکیک زباله استفاده کرد. با توجه به اینکه تبلیغات محیطی نداریم، هنوز بسیاری از شهروندان نمی‌دانند که بانصب یک نرم افزار، هر وقت بخواهند خودرو مخصوص پسماند درب منزل آن‌ها می‌آید و زباله‌های باز بافتی‌شان را تحویل می‌گیرد.

اینفوگرافی

بازارهای منطقه ۱۱

بازارها نقش مهمی در رونق اقتصادی محلات دارند. منطقه ۱۱ از جمله مناطق شهری است که با در اختیار داشتن چندین بازار محلی و شهری از فرصت‌های اقتصادی مناسبی بهره‌مند است. این بازارها علاوه بر رونق اقتصادی، دسترس شهروندان برای خرید را تسهیل می‌کنند.



نخستین داور بین‌المللی فوتسال بانوان کشور تمرینات سخت و طاقت‌فرسایی را برای رسیدن به این جایگاه سپری کرده است

عدالت، اقتدار و رفاقت نکات کلیدی داوری

میترا صدرا خود شش‌هم‌نمی‌دانست سرنوشتش با توپ و تور و زمین مستطیل گره خورده است. کودک پرشور و شوروی که به گفته بزرگ‌ترها باید مثل یک خانم‌می‌نشست و بلند نمی‌خندید، مسیر زندگی‌اش با بدن‌سازی ایران و کره شمالی و شجاعت احمد رضا عابدزاده در گرفتن ضربات پنالتی در بازی‌های آسیایی ۱۹۹۰ پکن تغییر کرد. مریم پور جعفریان، اولین داور بین‌المللی فوتسال است که هجده سال سابقه داوری دارد و ۹ سال در بازی‌های مختلف داخلی و بین‌المللی سوت زده است. این روز شکار محله الهیه، متولد ۱۳۶۱ است و حالا به خاطر زندگی و مشکلات جسمانی‌ای که بعد از زایمان و بارداری برایش پیش آمده، زودتر از آنچه انتظار داشته بازنشسته شده، اما از دنیای فوتسال خدا حافظی نکرده است. او در حال حاضر ناظر داوران کشور و مدرس داوران جدید مشهود است و بر سوپر لیگ و لیگ‌های فوتسال کشور نظارت دارد.

الگو گرفتن از احمد رضا عابدزاده

علاقه‌اش به زمین مستطیل سبز و شور و هیجانی که داشته است، باعث می‌شد و دانشگاه، تربیت بدنی بخواند. جزو دومین دوره دانش‌آموزان تربیت هنرستان فاضله دانش‌آموخته می‌شود و بعد هم در دانشگاه آزاد تربیت در دانشگاه علاوه بر فوتسال، والیبال و بسکتبال بارشته‌های دیگر هم تیم فوتسال دانشگاه آزاد در سال‌های مختلف و در لیگ‌های مختلف بازی می‌گوید: اقتدار و مدیریت عابدزاده در زمین را سرلوحه بازی‌ام قرار دادادم می‌ایستادم. حتی در رشته‌های بسکتبال و هندبال مثل عابدزاده سعی راد زمین مدیریت و رهبری کنم و این روحیه را در خودم پرورش دهم. قبل از اینکه داور بین‌المللی فوتسال شود، در ابتدای دهه ۸۰ جذب سبک مریم می‌گوید: بیشتر رشته‌ها را کار کرده بودم و دوست داشتم این رشته کنم. چون آمادگی بدنی خوبی داشتم به سرعت بازیکن تیم ملی کشور شدم. اول بهترین کچر مسابقات استان شدم. پست کچر همانند دروازه‌بانی است فوتسال را در دانشگاه دنبال می‌کردم و عضو تیم بودم. به نظر من دروازه‌بانی خوبی که به زمین دارند، داوران بهتری می‌شوند. عادت دارند کل بازی داور شدن بی‌تأثیر نبود.

قدم گذاشتن در مسیر داوری

وقتی مریم می‌بیند روز به روز تعداد علاقه‌مندان به فوتسال بیشتر می‌شود به جای بازی سراغ داوری برود. مدرک مربیگری و داوری درجه ۳ فوتسال را قبل از آن مدرک داوری بسکتبال را گرفته بود و در آموزش و پرورش شش‌ماه به عهده داشته است. پیشینه داوری او در بسکتبال به کمکش می‌آید و موفق عمل می‌کند. به مرور از بازی کردن دوری می‌کند و به جلد داوری را در زمین چمن و هم در سالن داوری بازی بانوان را بر عهده می‌گیرد. مریم انسیه مافی نژاد، داور بین‌المللی فوتبال، سال‌های سال کار کردم. انسیه بهترین داوران کشور است و من را تشویق کرد تا داوری را دنبال کنم. در داوری موفق است و بعد از مدتی داوری درجه ۲ را هم می‌گیرد. مریم علاوه بر تشویق من، باعث پیشرفتم شد. نمی‌توانست در تورنمنت بازی کشور در گرمسار شرکت کند و من را معرفی کرد. داوری خوبی داشتم و گرفتم و از همان جا روند موفقیت‌هایم کلید خورد. از سال بعد در لیگ مافی نژاد همراه بودم و داوری بازی‌ها را بر عهده داشتیم. لیگ برتر فوتبال تازه کلید خورده بود.

تصمیم‌گیری در صدم‌ثانیه

از آن دسته افرادی است که زندگی پرچالش را دوست دارند. او برای امتحان هم‌که شده مسیرهای متفاوتی را در زندگی امتحان کرده و یکی از آن‌ها هادی اومی‌گوید: داوری کار آسانی نیست و باید در صدم‌ثانیه و در لحظه دربار گرفت. ممکن است هر داوری اشتباه کند، البته برای پیشرفت نباید اشتباه باشد. باید در هر بازی اشتباهاتش کمتر و کمتر شود.

عدالت، نکته کلیدی داوری

او معتقد است داوری هم وراثتی است و باید در خون آدم باشد یا الگوها داشته باشد که عادل باشند. او از مادر و پدرش می‌گوید که از کودکی دربار این عدالت را برقرار کردند و آن‌ها هم آن را آموختند. مریم می‌گوید: به‌یاد می‌خوام که بین ما خوراکی تقسیم‌کنند. آن‌ها را می‌شمرد و به همه ما به‌یاد برایش رعایت قانون همیشه مهم بود و این نکات را از کودکی دیده‌ام و او باید شخصیت مدیر بودن در خون داوران باشد. یک داور باید بتواند هم هم از آن حمایت کند. باید حامی بازیکنان باشد و از طرفی بتواند در جاه خیم‌کنند. نه اینکه آن‌ها را بشکنند و برپا بگذارد. داور موفق عادل است. عدالت داوری است و کار ساخت تری می‌کند. پیش آمده است در بازی با خودم گفتم اشتباه کرده‌ام و با ناوداوری سوت زده‌ام. بعضی لحظات دودل هم شده‌ام. اقتاده است. برای رسیدن به عدالت باید در خود این عدالت را ایجاد کرد صادق باشیم. هر بار به زمین می‌روم، می‌گویم اینجا هستیم تا عدالت را برقرار است و نمی‌توان راحت در باره آن صحبت کرد. یک داور باید به قوانین کاه بداند در لحظه حادث شده. قانون چه توضیحی دارد و این با قضاوت زیاد می‌آید. اکنون هم سعی می‌کنم تجربیاتم را به داوران جدید انتقال بدهم.

کولینا، اسطوره تأثیرگذار

پیر لوتیچی کولینا، اسطوره داوران است و همه او را الگوی خود قرار می‌دهد از این قاعده مستثنای نیست و می‌گوید که با دیدن فیلم‌های داوری او به‌طور غیرمستقیم از این داور بزرگ ایتالیایی آموخته است. اومی‌گوید زمین است. جدیت و مدیریتش در زمین باعث می‌شود تا همه بازیکنان بگذارند. بازیکنان حتی جرئت ندارند در چشم‌هایش خیره شوند. البته فضای مجازی متوجه شد که این داور بزرگ در خارج از زمین با بیشتر بازیکنان برخورد می‌کند و با آن‌ها نزدیک است. این رفاقت را الگوی کارم قرار دادم. مدیریت استفاده می‌کنم. یک داور در زمین باید هنگام دادن جریمه چهره‌ها باشد. نه ترحم و نه خشم در آن دیده نشود. وقتی کارت زرد یا قرمز را به بازیکن باید چهره‌ای معمولی داشته باشد و بازیکن بداند فقط باید جریمه‌اش کند.



جام ملت‌های آسیایی پکن، نقطه آغاز

خودش را به زمین مستطیل سالن شهید بهشتی می‌رساند. امروز ناظر بازی تیم‌های «سایپا» و «خانه‌من» در لیگ برتر فوتسال کشور است. اقتدار در چهره‌اش نمایان است. بازیکنان، مربیان و داوران، همگی به او احترام می‌گذارند. وسط زمین ایستاده و شرایط را می‌سنجد تا چیزی برای یک رقابت فوتسالی کم نباشد. می‌گوید که بازی حساسی است و داوران امروز کار سختی دارند. ولی می‌دانم که از پسش برمی‌آیند. تعدادی از بازیکنان تیم «خانه‌من» شاگردان خودش بوده‌اند و اولین تکنیک‌های بازی را از او آموخته‌اند.

مریم متولد بیرجند است. هفت سال داشته که با خانواده به مشهد می‌آیند و ساکن شهرک ابوذر می‌شوند. خاطرات آن سال‌ها را به خوبی به یاد دارد. اقتدار و شجاعت احمد رضا عابدزاده در بازی‌های آسیایی پکن و گرفتن چند پنالتی مهم در بازی فینال، او را به فوتبال علاقه‌مند می‌کند. مریم آن زمان شناختی از فوتبال و تیم‌ملی نداشته است و خیلی اتفاقی همراه خانواده فینال این جام را نگاه می‌کند و جرقه اول برای ایستادن در این زمین از همان جادر ذهنش می‌خورد. مریم می‌گوید: خانواده مادری و مادرم اهل ورزش هستند. دایی‌هایم در رشته‌های مختلف ورزشی کار می‌کنند و مادرم دهنده و ژیمناستیک کار بود. خودم از همان کودکی دختر پرشور و شوروی بودم و بازی‌های هیجانی و پر تحرک را دوست داشتم. به یاد نمی‌آورم که جایی نشسته باشم یا خاله بازی کنم.

جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه، خاطرهای ماندگار

مریم سه‌خوهر دارد و خودش دختر اول خانواده است. همیشه دوست داشته است نقش پسر را بازی کند. علاوه بر اینکه از نظر جسمی هم قوی بوده و هیچ وقت نمی‌خواست است که ضعیف شمرده شود. می‌گوید: دوست داشتم کارهای پسرانه انجام دهم. حتی وقتی پدر می‌خواست خود را تعمیر کند، کنارش می‌ایستادم و کمکش می‌کردم. همیشه به مامی‌گفتند که دختر باید بنشیند و بلند بلند نخندد. در حالی که من هیجان را دوست داشتم. علاقه‌ام به فوتبال با بازی‌های جام جهانی ۱۹۹۸ و بازی‌های مقدماتی و خاطرهای انگیزی که با استرالیا داشتیم. بیشتر و بیشتر شد. از آن زمان به جد فوتبال را دنبال کردم. جزو طرفداران پروپاقرص پرسپولیس بودم. هر بار که با ابومسلم بازی داشتند و به مشهد می‌آمدند، با هواداران به هتل می‌رفتم. با همه بازیکنان عکس دارم و از آن‌ها امضا گرفته‌ام. به جز احمد رضا عابدزاده که نشد.



جام جهانی کوچک فوتسال بانوان پرتغال-۲۰۱۲



سمینار داوران نخبه آسیا در مالزی-۲۰۱۸

شود در دبیرستان بدنی است که از بدنی می خواند. آشنایی می شود با بازی می کند. مریم بودم و در دروازه می کردم بچه ها

افت بال می شود. به جدید امتحان بدم و همان سال است. البته هم زمان باها به دلیل دیدن را ببینند و این در

تصمیم می گیرد. سال ۸۲ می گیرد. ری این بازی هارا در داوری فوتسال پی می گیرد. هم می گوید: با خانم بافاصله زیاد جزو

می گوید: انسیه ی های نوجوانان مورد قبول قرار برتر کشور با خانم بانوان آن موقع

مان کردن خودش. مین داوری است. موقعیت تصمیم ستباه زیاد داشته

بی در زندگی اش هر چهار خواهر دادارم وقتی مادر یک اندازه می داد. بوخته ام. از طرفی قانون را اجرا کند، ای قانون را کمی الت، نکته کلیدی

ته ام، نکند اینجا اما به ندرت اتفاق نو باید با خود مان ار کنم. کار سختی ملا مسلط باشد و تجرب به به دست

دهند. مریم هم رس های زیادی را بد: کولینا پادشاه به قوانین احترام به باجست وجود ز یکنان دوستانه و در زمین از همان ای خنثی داشته ن نشان می دهد، نباهش را پرداخت

ورزش حرفه ای فرد مقاوم می خواهد

یکی از مواردی که مریم برای رسیدن به داوری بین المللی از آن گذشته، دیرتر مادر شدن است و همین باعث صدمات جسمانی به او شده و مجبور شد کرده است حالا از فضای داوری فاصله بگیرد. سال هاسفر تفریحی نرفته و در دوره می های خانوادگی شرکت نکرده و سال به سال هم اقوام رانده است؛ اما توانسته اولین داور خانم بین المللی فوتسال شود. مریم می گوید: در ورزش حرفه ای، چه به عنوان بازیکن و چه داور، باید سخت تمرین کرد و لحظات تفریحی زیادی برای رسیدن به موفقیت گذشت. ورزش حرفه ای در هر رشته و با هر جایگاهی سخت است و کار هر کسی نیست. فرد باید مقاوم باشد.

تمرینات سخت و طاقت فرسا در بوستان ملت

مریم معتقد است در زندگی انسان ها لحظات و فرصت هایی وجود دارد که خداوند در مسیر آن ها قرار می دهد و این به خود انسان ها برمی گردد که از آن استفاده کنند یا به راحتی از کنار آن ها بگذرند. می گوید: چند سال از داوری ام در عرصه کشوری و لیگ های مختلف فوتسال می گذشت. سال ۸۹ با دوزن کم می کردم تا بتوانم جزو داوران بین المللی شوم. آقای مسعود عنایت که آن زمان رئیس دپارتمان داوری بودند، گفتند که اگر وزن کم کنی می توانی داور بین المللی شوی. بیست کیلو کم کردم و زحمات زیادی کشیدم. هر روز بوستان ملت بودم و کسانی که آنجا ورزش می کردند، من را می شناختند. آن دوره آسیب زیادی دیدم. چون روی آسفالت می دویدم. آن زمان هیئت فوتسال خراسان ما را نمی شناخت و امکاناتی نداشتیم. هر بار که بازی بود، به ما تلفن می زدند و می گفتند که برای داوری بیایید. حالا شرایط فرق کرده است و همه چیز اطلاع رسانی می شود و داوران و بازیکنان خانم شناخته شده هستند. روز امتحان توانستم رکورد ۱۰۰۰ متر را بزنم و از بین هفتاد داور شرکت کننده تنها کسی بودم که موفق شدم به عرصه بین المللی راه پیدا کنم. ۱۰ سال بعد از آن، همچنان به تمرینات سخت ادامه دادم. البته ورودم به آموزش و پرورش هم زمان شد با حضور در عرصه بین المللی و این کار را بر این سخت تر از گذشته کرد. هر دو جام مسئولیت داشتم و باید برنامه ریزی دقیقی می کردم.

داوری از سی گیم اندونزی تا رقابت های بین المللی گواتمالا

سال ۱۹۹۰، بیست روز بعد از عقدش، به اولین تورنمنت بین المللی می رود. رقابت های المپیک سی گیم در جاکارتا، کشور اندونزی است. مریم می گوید: با مدرس داوری، آقای موسوی، به این مسابقات رفتم و درس های زیادی از این مدرس بین المللی یاد گرفتم. به جز من خانم، ۱۵، از چین هم حضور داشتند و فینال خانم ها را اقصاوت کردیم. خوشبختانه، ای اف سی، از کار مراضی بود. آن زمان از ما خواستند برای آقایان هم قضاوت کنیم، ولی آن موقع مثل امروز نبود و ممکن بود جلوی داوری ام گرفته شود، در حالی که خانم ها اکنون برای آقایان هم قضاوت می کنند. تورنمنت بعدی، بازی های جام جهانی پرتغال و بعد هم بازی های غرب آسیا بود که در بحرین برگزار شد و تیم ملی ایران توانست قهرمان رقابت ها شود و چون ایران حضور داشت، داوری زیادی به من نرسید. در مسابقات المپیک سالنی کره جنوبی ۲۰۱۳ و ۲۰۱۵ و ۲۰۱۵ به سمنار داوران نخبه آسیا دعوت شدم. برای اولین بار ای اف سی برای ما کلاس گذاشت و سه روز قبل از آقایان دوره دیدیم و امتحان دادیم. سال ۲۰۱۵ بازی فینال، اولین تورنمنت جام ملت های بانوان را در مالزی قضاوت کردم. بعد از آن سال ۲۰۱۸ در جام جهانی کوچک زنان گواتمالا حضور داشتم. سفر سختی بود و قرار بود اسم یکی دیگر از داوران رد شود، اما بیست روز مانده به مسابقات، ای اف سی به نام من ابلاغ زد و باید خودم را به مسابقات می رساندم. بعد از آن هم در سمنارهای مختلف حضور داشتم و سمنار داوران نخبه آسیا سال ۲۰۱۹ آخرین حضور بین المللی ام بود که در آن فرزندم را باردار بودم. امیدوارم بعد از این، در عرصه بین المللی تدریس و نظرات داشته باشم.



منطقه
 ۱۱



عکس: مهدیه غفوریان / شهر آرا

امیره بغدادی در طول ۳۱ سال سابقه پرستاری، از خدمت به ایثارگران جنگ تحمیلی تا بیماران کرونایی را تجربه کرده است

هیچ وقت درد کشیدن بیمار برایم عادی نشد

فهیسه شهری امی خواستند از مغز یک معلول ذهنی شانزده ساله که دائم تشنج می کرد، تصویر برداری کنند. به دلیل اینکه مدام تکان می خورد، نمی توانستند کارشان را انجام دهند. آخر پدرش عصبانی شد و شروع کرد به کتک زدن فرزند معلولش. اینجا بود که پرستار تاب نیاورد و از پدر خواست بیرون برود. خودش نشست بالای سر این بیمار. حدود یک ساعت تمام آن قدر او را نوازش کرد و بوسید تا آرام شد و توانستند از مغزش تصویر برداری کنند. این پرستار نمونه، امیره بغدادی، شهروند محله تربیت است که در بین همکارانش به صبوری و مهربانی شهرت دارد و ۳۱ سال کاری اش را با این تعهد کاری پشت سر گذاشته است.

باز هم راه گذشته را می روم

از همان ابتدا که رویه رویش می نشینیم، باروی خوش برخورد می کند. کلامی آرام و شمرده شمرده دارد. امیره بغدادی با چنین روحیه ای در کادر پرستاری قرار گرفته و ۳۱ سال تمام رادر این حرفه خدمت کرده است. حالا هم که در پنجاه و سه سالگی قرار دارد و باز نشسته شده است. خدا را شاکر است که وقتی به گذشته برمی گردد، وجدانش راضی است که در حق هیچ بیماری کوتاهی نکرده است و تاجایی که در توانش بوده، سعی کرده بیمار دیگران را مانند عزیزان خودش ببیند. بغدادی آن قدر عاشقانه در این حرفه کار کرده که می گوید: اگر به گذشته بازگردم، باز هم با همان انرژی، همین راهی را که رفته ام می روم.

مامان نفس بکش!

اوپرستار بخش تصویر برداری بوده و به دلیل نزدیکی با اشعه، باید بیست ساله بازنشسته می شد. بعد ۲۵ سال خدمت که دنبال کارهای بازنشستگی اش می رود، با مشکلات اداری روبه رومی شود و این مشکلات مانع بازنشسته شدن او می شود. به گفته خودش تمام همکارانش که با او وارد کار شده بودند، بازنشستگی شان را گرفته بودند و بغدادی همیشه در خلوت، از خدایش می پرسیده حکمت اینکه او نتوانسته بازنشسته شود، چیست. البته با شیوع کرونا پاسخش را می گیرد و حکمت این کار خدا رادر این می بیند که خدمتی خواسته او توفیق داشته باشد در روزهای سخت کرونایی، همچنان جزو کادر درمان، عاشقانه و متعهدانه به بیماران خدمت کند. او حالا خدا را شاکر است که به قول خودش، سعادت چنین خدمتی را پیدا کرده است.

بغدادی چند بار تکرار می کند: دوران اوج کرونا روزهای خیلی خیلی سختی بود. بعد هم صحبتش را این طور ادامه می دهد: مشکلات این پنج سال آخر خدمتم از آن ۲۵ سال دیگر بیشتر بود. در حالی موج های مختلف کرونا را پشت سرمی گذاشتم که در زمان هایی با کمبود دارو و امکانات روبه رو بودیم. به دلیل تعداد زیاد بیماران، کادر درمان باید شیفت های اضافی کار می کردند و با وجود شرایط بسیار سخت، کمتر استراحت می کردیم.

بغدادی باید در بخش تصویر برداری، بیماران کرونایی بد حال را بغل می کرد و روی تخت تصویر برداری می گذاشت تا از ریه آن ها عکس گرفته شود. در این بین خودش هم به شدت درگیر بیماری کرونایی می شود. طوری که ۳۶ روز بستری می شود و به گفته خودش تادم مرگ می رود. او تعریف می کند: بیست و چهار ساعته دستگاه اکسیژن ساز به من وصل بود. یک روز، دیگر نمی توانستم نفس بکشم. دود خترم بالای سرم با گریه فریاد می زدند، مامان نفس بکش! مامان نفس بکش! لحظه مرگ را احساس کرده بودم. در بین گریه های همسر و بچه هایم، به امام حسین (ع) متوسل شدم. بعد از مدتی که خوب شدم، دیگر دوست نداشتم صحبت کنم. هر نفسی که می کشیدم، دلم می خواست فقط خدا را شکر کنم.

در بیمار را حس می کنم

امیره خانم از جمله معروف: «سلامتی تاجی است بر سر افراد سالم که فقط افراد بیمار می توانند آن را ببینند.» یاد می کند و ادامه می دهد: من چون با بیماران سرو کار داشتم، این موضوع را از عمق وجودم درک می کردم و سلامتی را بزرگ ترین نعمت خودم و خانواده ام می دانستم، اما وقتی کرونا گرفتم، باز انگار تلنگری برایم بود و بیش از پیش این موضوع ملکه ذهنم شد. بغدادی، مدیر بخش رادیولوژی (تصویر برداری) بوده و همیشه به نیروهایش می گفته هر مریضی که مراجعه می کند فرض کنید عزیز خودتان است. همان طور که برای بیمار خودتان با دقت و سرعت، کارهایش را انجام می دهید، کارهای دیگر بیماران را هم همین طور انجام دهید. او لحظه ای سکوت می کند، بعد با لبخندی ملایم و کلامی آرام، می گوید: نمی خواهم از خودم تعریف کنم، ولی باور کنید همیشه در درای برای خودم

می پذیرفتم و تحمل می کردم، اما برای بیمار نمی توانستم تحمل کنم و دوست داشتم زودتر مراحل درمانش انجام شود. این پرستار ابروهایش را در هم می کشد، انگشتان دستش را به هم می فشارد و می گوید: وقتی مادرم را آمپول می زدم، دردش را خودم هم احساس می کنم و با وجود اینکه سال ها کار درمانی انجام داده ام، هیچ وقت درد کشیدن بیمار برایم عادی نشده است. به دلیل همین مهربانی هایش، تصویر برداری های کودکان رادر بیشتر موارد به این پرستار می دادند. او صبر و حوصله بیشتری داشت و با ارتباط خوبی که با بیمار و به ویژه کودکان برقرار می کرد، می توانست آن ها را آرام کند تا کار تصویر برداری را انجام دهند.

به گفته او در تصویر برداری حتی برای ثانیه ای نباید بیمار تکان بخورد؛ برای همین کار تصویر برداری کودکان یا معلولان، سخت تر از دیگران است و نیاز به نیرویی دارد که بتواند با بیمار ارتباط عاطفی برقرار کند و ضمن آرام کردن او، تصویر برداری را انجام دهد.

خوب باش تا بتوانی حال دیگران را خوب کنی

بغدادی ادامه می دهد: خدا را شکر همیشه در درمانگاه، بخش ما بازنده همه بود. از طرفی کار بیمار را سریع انجام می دادیم و از طرفی بین نیروهای خودمان ارتباط خوبی برقرار بود. کمترین شکایات هم مربوط به بخش من می شد.

او که در زمان بازگشت اسرا، مشغول به کار بوده است. یادی از آن زمان می کند و ادامه می دهد: اسرای هشت سال جنگ تحمیلی را که برای تصویر برداری از معده و کلیه می آوردند، بدون استثنا، همه شان مشکلاتی در این زمینه ها داشتند. بعضی هایشان علاوه بر این مشکلات، قطع عضو هم بودند. من که آن ها را می دیدم به عنوان یک انسان قلبم دردمی گرفت، اما خودشان آن قدر روحیه داشتند و راحت با این دردها کنار آمده بودند که فقط با تقوا و توسل باطنی می توان به این مرحله رسید. من همیشه این اعتقادات قوی آن ها را الگوی خودم قرار داده ام.

این پرستار از دوران جوانی نقاشی با رنگ روغن را فرا گرفته و هر از چند گاهی تابلوهایی کشیده و در پنج نمایشگاه گروهی شرکت کرده است. او پتینه دوزی هم یاد دارد و گاهی نیز سمت این هنر می رود. البته به گفته خودش، چون او هم تقریباً مانند همه کارکنان بخش تصویر برداری که به دیسک گردن یا کمر مبتلا هستند، از این بیماری هارنج می برد، نمی تواند مدت طولانی کار هنری انجام دهد اما باز هم برای روحیه خودش ارتباطش با هنر را حفظ کرده است. او مدرک آموزش روانی و روان خوانی قرآن کریم را نیز دارد. بخش یابانی صحبت هایش را هم به این اختصاص می دهد که انسان باید همه چیز را از خودش شروع کند. خودش خوب باشد تا بتواند حال روحی و جسمی دیگران را خوب کند. به نظر او اگر هر کسی به جای فکر کردن به عیب های دیگران، دنبال عیب های خودش و ارتقای شخصیت خودش باشد، هم خودش حال بهتری پیدا می کند، هم دیگری که با او ارتباط دارند، از این هم نشینی لذت می برند.



ملیکا ابرشی در ۱۵ سالگی
کمر بند طلایی بهترین کیک بوکسینگ رده جوانان ایران را به دست آورد

طلایی ترین خاطره



امید
محله

فهمیه شهری ۱۳۰۱ اردیبهشت ۱۴۰۰ بود که خبر دادن یکم تیر ماه باید به مسابقات برود. اما این برنامه یک تفاوت اساسی با دیگر رقابت ها داشت و او باید در یک ماه باقی مانده، ۲۵ کیلوگرم وزن کم می کرد. کار آسانی نبود، ولی با همه دشواری هایش، در اراده و انگیزه اش ذره ای خلل وارد نشد. رژیم سفت و سختی گرفت و در کنارش تمرینات فشرده و سنگینی انجام داد. سرانجام آن روز طلایی رسید و ملیکا ابرشی در مسابقات کیک بوکسینگ جوانان ایران، کمر بند طلایی را از آن خود کرد و نامش به عنوان بهترین کیک بوکسینگ رده جوانان ایران در سال ۱۴۰۰ ثبت شد.

● در یک قدمی مدال طلا

ملیکا ابرشی دانش آموز شانزده ساله محله کلاته برفی است. او از هفت سالگی ورزش را شروع کرده و چندین مقام قهرمانی استانی و کشوری در رشته کیک بوکسینگ در کارنامه اش ثبت شده است. قامت بلند و استوارش، حکایت از روحیه سخت، پرتلاش و جنگجوی او دارد. این ورزشکار نمونه تعریف می کند: اول به توصیه مادرم فقط برای اینکه تحرک داشته باشم در کلاس های ورزشی ثبت نام کردم. مربی مان به طور ترکیبی، دفاع شخصی، جودو، وووشو و کیک بوکسینگ را با ما کار می کرد. بعد از مدت کوتاهی احساس کردم به کیک بوکسینگ بیشتر علاقه دارم و از همان ابتدا روی این رشته تمرکز کردم. ملیکا سال ۹۷ برای اولین بار وارد عرصه مسابقات می شود و در همین سال علاوه بر مقام دوم استانی، مقام دوم کشوری را نیز کسب می کند.

این مقام ها تأثیر زیادی بر روحیه اش می گذارد و خود را در یک قدمی موفقیت می بیند. برای همین با تلاش و انگیزه ای فراتر از پیش، تمریناتش را ادامه می دهد. نتیجه اش هم این می شود که از این پس در مسابقات استانی و کشوری با مدال طلایی درخشد.

● دویدن های نفس گیر

طلایی ترین خاطره او مربوط به سال ۱۴۰۰ می شود که کمر بند طلایی رشته کیک بوکسینگ را از آن خود می کند. او می گوید: آخر اردیبهشت ۱۴۰۰ خبردار شدم که تیر ماه مسابقات است و برای حضور در آن باید ۲۵ کیلو وزن کم می کردم. چون مدارس مجازی بود، از ساعت ۷ تا ۱۲ در کلاس های مجازی مدرسه شرکت می کردم. از ساعت ۱۲ ظهر تا ۸ شب در باشگاه تمرین می کردم. البته در تمام این سال ها چون باشگاه تا منزل ما خیلی فاصله داشت، در سرما و گرما، بعد از طی مسافت با اتوبوسی که خیلی معطلی داشت، باز باید مسیری طولانی را پیاده طی می کردم. وقتی رژیم گرفته بودم، علاوه بر تمرینات سخت و فشرده ام، مسیر برگشت به خانه را به حالت دومی رفتم تا وزن کم کنم. مسیر رفت به باشگاه را چون به دلیل دوری راه دیر می رسیدم، باز با حالت دو می رفتم. گاهی در این بین امتحان مجازی هم می دادم. ملیکا چند بار با تأکید می گوید: در این مدت خیلی زحمت کشیدم و روزهای سختی را پشت سر گذاشتم. برای همین انتظار کمر بند طلایی را داشتم. او از سال ۱۴۰۰ وارد رشته وووشو شده است و خودش را برای دستیابی به مقام های رده بالای این رشته آماده می کند. ملیکا این موفقیت هایش را بعد از حمایت های پدر و مادر، نتیجه تشویق های فرح دخت ابوالحسن زاده، معصومه عباسیان و محبوبه نویدی، مدیر، معاون و ناظم مدرسه شان می داند و می خواهد با اسم بردن از آن ها، برای دلسوزی هایشان تشکر کوچکی کند.

نوین
شهر

احداث فضای سبز برای تحقق
نوین شهر الهیه همچنان ادامه دارد

بوستان های همیشه در دسترس



منطقه

۱۲

سید مصطفی بهشتی | احداث

مسیر ویژه دوچرخه، ایجاد پیاده راه، بهره برداری از بوستان ها و توسعه حمل و نقل عمومی از اهداف مهمی است که برای ساخت نوین شهر الهیه تعریف شده است. در گزارش های قبلی وضعیت دو مورد اول را در محدوده الهیه بررسی کردیم و در این نوبت می خواهیم روند ایجاد فضاهای سبز در این محدوده شهری را بررسی کنیم.

● درخواست احداث یک پارک منحصر به فرد

در اواسط دهه ۷۰ که برنامه ریزی برای ایجاد محدوده جدید الهیه آغاز شد، احداث چندین فضای سبز در این منطقه در دستور کار مدیران شهری قرار گرفت. از آن زمان تا کنون ۱۸ فضای سبز بزرگ شهری و محلی احداث شده است و با وجود نوبت بودن محدوده الهیه، سرانه فضای سبز این قسمت از شهر حدود یازده متر مربع برای هر نفر است و تا پایان سال آینده با احداث بوستان های رحمانیه ۱۸ و سجادیه ۶، این عدد به دوازده متر مربع افزایش می یابد. نکته مهم در باره فضاهای سبز نوین شهر الهیه، جانمایی بوستان ها در نقاط مختلف منطقه است که دسترسی آن ها برای تمام ساکنان را تسهیل می کند.

با حضور در بوستان امیریه با شهروندانی که از اهالی الهیه هستند گفت و گومی کنیم. سعید تاج بخشی می گوید: واقعاً خوب است که بوستان هایی که اینجا ساخته می شود، از نظر امکانات کامل است و از وسایل ورزشی تا فضای بازی کودکان را در خود دارد. تعداد فضاهای سبز در الهیه زیاد است، اما پیش نهاد من به شهرداری این است که به فکر یک پارک شاخص برای این منطقه باشند، پارکی ماندگوار که هواسنگی یا پارک ملت که بزرگ و منحصر به فرد باشد.

ملکاربانی هم از دیگر شهروندانی است که نظرش را در باره فضای سبز محدوده الهیه، می گوید: تعداد بوستان ها در این نقطه شهر مناسب است اما درخواستی که دارم این است که درخت کاری در فضاهای بوستان ها بیشتر باشد. این گونه است که می توان با ایجاد تنفسگاه های شهری شعار نوین شهر را تحقق بخشید.

● فضاهای سبز، در دسترس شهروندان

سید سجاد مسلمی پور از شهروندانی است که در حال تردد در بوستان صادقیه است. او وضعیت بوستان هادر محدوده الهیه را خوب ارزیابی می کند و معتقد است در هر جای الهیه امکان دسترسی به بوستان ها هست. او می گوید: ما قبلاً در رحمانیه ساکن بودیم، وقتی می خواستیم به پارک برویم یا قدم بزنیم، بوستان رحمانیه ۷ در دسترس ما بود. از وقتی هم که به خیابان صادقیه آمده ایم، این بوستان در نزدیکی ماست و خیلی هم بزرگ و زیباست. این واقعاً نکته مثبتی است که در این محدوده می توان از فضاهای سبز مختلف بهره برد. این شیوه شهرسازی و دقت به نیازهای شهروندان با توجه به زندگی آپارتمانی امروز بسیار مفید است.

احداث فضاهای سبز و بهره برداری از پارک هادر محدوده الهیه در سال های قبل با سرعت مطلوبی پیش رفته است و طبق نظرات بیان شده، رضایت شهروندان را تا حدود زیادی به همراه داشته است. با وجود این، ارقام مطرح شده برای سرانه فضای سبز در محدوده الهیه برای تحقق شعار نوین شهر الهیه کافی نیست و باید در آینده منتظر بهره برداری از بوستان های جدید در محدوده الهیه بود.

منطقه

۱۱

محلات منطقه ما:

۱۱: زینباشهر، آزادشهر، شهید رضوی، سیدرضی دانش آموز، دانشجو، تربیت، شریف و فارغ التحصیلان

۱۲: الهیه، امیریه، وکیل آباد جاهد شهر، کلا ته بر فی فردوسی، چهاربرج، مجیدیه، رحمانیه، نقویه، صادقیه

مدیر مسئول: سید میثم موسوی مهر

سردبیر: سید سجاد طلوع هاشمی

دبیر شهر آرا محله: فاطمه خلخالی استاد

دبیر شهر آرا محله منطقه ۱۱ و ۱۲: مصطفی بهشتی

تلفن شهر آرا محله منطقه ۱۱: ۳۸۶۸۰۵۶۶

تلفن دفتر شهر آرا محله منطقه ۱۲: ۳۱۳۹۶۳۶۸

شماره پیامک: ۳۰۰۷۲۸۹

دفتر منطقه ۱۱: بولوار دانشجو، دانشجو ۲۹، مجموعه ورزشی گلسا، طبقه اول

دفتر منطقه ۱۲: سجادیه ۲۹، شهید حسینی ۲، ساختمان شماره دو

شهرداری منطقه ۱۲

پست الکترونیک: mahalle11@shahrara.ir

mahalle12@shahrara.ir

کانال شهر آرا محله: @ShahraraMahaleh

دریافت نسخه الکترونیک شهر آرا محله از: shahraranews.ir



معبور سر سبز و پرامکانات

وجود دو بوستان و کاشت نهال در پیاده روها در فصل بهار از معابر سر سبز منطقه است. از طرفی با توجه به وجود مرکز درمانی، فضای سبز و بازار، جزو معابر پرامکانات منطقه به حساب می آید.

سید مصطفی بهشتی | خیابان سجادیه ۲۶ از معابر فرعی محله نقویه است که راه مواصلاتی چند کوچه فرعی به یکدیگر به حساب می آید. این کوچه به اسم شهید سلیمی نام گذاری شده است و به واسطه

خیابان سجادیه ۲۶

منطقه ۱۲ - محله نقویه



فروشگاه «شهرما» تنها مرکز خرید این خیابان است که سبب شده شهروندان به واسطه کمبود بازارهای محلی، خود را از نقاط مختلف محدوده الهیه به آنجا برسانند تا مایحتاجشان را تهیه کنند.



مجتمع دوپست واحدی سامان در انتهای این معبر واقع شده است. این مجموعه مسکونی حدود نوزده سال پیش ساخته شده است و از واحد ۵۵ متری تا صدمتری رادر خود جای داده است.



بوستان مینیاتوری ایران شناسی در ابتدای خیابان سجادیه ۲۶ قرار گرفته است و ماکت هایی از بناهای تاریخی ایران بزرگ، زیبایی بخش این بوستان موضوعی است.

درمانگاه شبانه روزی سپهر از معدود مراکز درمانی منطقه ۱۲ و محدوده الهیه است. در این مرکز، در طول هفته خدمات درمانی ارائه می شود.

